

## سالهای زندگی یک کارگر و مبارزه برای رهایی طبقه کارگر (بخش 12)

### قسمت اول

چه احکام جنایتکارانه ای در دادگاه ها، هیات های تشخیص و حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران صادر می شود؟ نحوه رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به شکایات و اختلاف بین کارگر و کارفرما چگونه حل و فصل می شود؟

در بخش قبل نوشتیم موقعی در سندیکا فعالیت داشتیم بطور غیر قانونی با توطئه و دسیسه های اداره اطلاعات و با همکاری اداره کار و کارفرمایان به بهانه های مختلف از جمله "توهین به مقدسات اسلام" و عدم "تفاهم اخلاقی" بدون هیچ دلیلی قانونی از کار اخراج شده ام. در ادامه به توضیح بخشی از آن می پردازم

رای هیات های تشخیص و حل اختلاف باید مستدل، موجه و با استناد به مواد قانونی باشد ولی اگر شما پرونده های من را بخوبی تعقیب و پیگیری کنید متوجه خواهید شد که اصلاً اصول قانونی رعایت نشده است. پیشداوری هیات های مذکور تحت تأثیر اداره اطلاعات و امنیت، صدور احکام جنایتکارانه و غیر قانونی، رفتارهای توأم با توهین و تحقیر، اعمال فشار و محدودیت بر کارگر و خانواده کارگر و نقض اصل بی طرفی یا استقلال قضایی را بخوبی میتوان مشاهده کرد

تجارب کار و زندگی و فعالیت کارگری خودم را با رفقای کارگر و هم طبقه ای هایم در میان میگذارم که بتوان از زوایای مختلفی به جنبش کارگری و کمونیستی کمک کرد و آگاهانه آنرا در جهت رسیدن به اهداف طبقاتی مان سازمان داد. جنبه مهم آن آگاه بودن به حقوق سیاسی طبقاتی خود و شرایط موجود و تلاش برای تغییر آن است

بیشک قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی ایران فاقد هرگونه اعتباری است. من بعنوان یک کارگر کمونیست مخالف "کار قانونی" در این نظام هستم و معتقدم که تغییر قانون یک خواست سیاسی طبقاتی است باید برای تغییر آن تلاش و مبارزه کرد. اما در چنین شرایطی که نظام جمهوری اسلامی ایران حاکم است چه باید کرد؟ این مطب حاوی و دربرگیرنده تجربیات و نکات مهمی میباشد که روزانه کارگران با آن درگیر و سرو کار دارند. این تجربیات در شرایط کنونی میتواند درس و راهنمای خوبی برای کارگران و خصوصاً کارگران اخراجی یا کارگرانی که در حال اخراج هستند باشد. ضمناً تمام مدارک و اسناد خود را همراه با مشخصات حقیقی برای استفاده بیشتر در اختیار شما عزیزان قرار خواهم داد

چگونگی و نحوه رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به شکایات و اختلاف بین کارگر و کارفرما ناشی از اجرای قانون کار توسط هیات های تشخیص و حل اختلاف طبق ماده 158 و 160 قانون کار جهت رسیدگی و حل و فصل تشکیل می شود

بررسی و رسیدگی به پرونده دعوی و شکایات طرفین ( کارگر و کارفرما) به ترتیب مراحل زیر صورت میگیرد

هیات تشخیص -1

هیات حل اختلاف -2

دیوان عدالت اداری -3

هیات حل اختلاف همعرض -4

«هیات تشخیص»

: طبق ماده 158 قانون کار متشکل است از

الف- نماینده دولت: (یک نفر) نماینده کار و امور اجتماعی شهرستان

ب- نماینده کارگر: (یک نفر) نماینده شوراهای اسلامی کار

ج- نماینده کارفرما: (یک نفر) نماینده صنایع یا انجمن صنفی کارفرمایان

رای هیات تشخیص به استناد به ماده 159 قانون کار ظرف مدت 15 روز قابل اعتراض و ارجاع به هیات حل اختلاف میباشد. هیات حل اختلاف نیز بعد از بررسی پرونده اقدام به صدور رای قطعی و لازم الاجرا مینماید. حکم قطعی و لازم الاجرا هیات حل اختلاف نیز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است

## «هیات حل اختلاف»

اعضای تشکیل‌دهنده هیات حل اختلاف مستند به ماده 159 قانون کار عبارتند از

الف- سه نفر نماینده دولت: دادگستری، فرمانداری، اداره کار

ب- سه نفر نماینده کارگران: منتخب شوراهای اسلامی کار

ج- سه نفر نماینده کارفرمایان: مدیران صنایع و منتخب انجمن صنفی کارفرمایان

یکی از راههای رسیدگی نسبت به شکایات طرفین از طریق هیات های تشخیص و حل اختلاف و استناد به قانون کار و مصوبه ها شورای عالی کار و بکارگیری "اصل سه جانبه گرایی" است. طبق مصوبه‌های شورای عالی کار، اعضای هیات حل اختلاف مرکب از 9 نفر میباشند. جلسات با حداقل حضور 7 نفر رسمیت دارد. طبق این مصوبه نمایندگان شورای اسلامی کار بخشی از مهره‌های دست نشانده این رژیم هستند بجای نماینده کارگران حضور دارند و خود را نماینده کارگران در هیات های مذکور معرفی میکنند در واقع آن‌ها نیز جزیی از نماینده گان دولت محسوب می‌شوند

در نتیجه اتخاذ تصمیم و صدور رأی نهایی توسط "نمایندگان دولت" و "کارفرمایان" صورت میپذیرد بدون اینکه نماینده کارگران کوچکترین نقشی داشته باشند. اگر نماینده واقعی کارگران نیز در همین اصل سه جانبه‌گرایی حضور داشته باشد تغییری در صدور حکم ایجاد نخواهد شد و در این میان هیچ نقشی نخواهد داشت چون رأی دولت به همدستی کارفرمایان در اکثریت است

اتخاذ تصمیم و صدور رأی در رابطه با پرونده های مربوط به "توهین"، "تهدید" و "فحاشی" از جانب طرفین (کارگر یا کارفرما) در دادسرا یا دادگاه جزایی بررسی و رسیدگی میشود در این موارد برای ادله اثبات دعوی استناد به ماده 196 قانون آیین دادرسی مدنی تحقیقات محلی و گواهی (شهادت) دو نفر (بنا به قانون اسلام دو مرد) کافی است

گزارش "مامور تحقیق" طبق مواد 248 تا 256 قانون آیین دادرسی مدنی برای جمع آوری امضا برای شهادت و گواهی (استناد به مواد 229 تا 247 قانون آیین دادرسی مدنی) در محل واقعه یا محل کار در مراحل قضایی برای بررسی و مراجع رسیدگی به پرونده در صلاحیت هیات های تشخیص و حل اختلاف است

طبق ماده 27 قانون کار نظر و استعلام "انجمن صنفی یا شوراهای اسلامی کار" برای موجه بودن یا نبودن اخراج کارگر با مدارک و دلایلی محکمه پسند در مراجع رسیدگی به پرونده ها در هیات های تشخیص و حل اختلاف و دیوان عدالت اداری ضروری است

## «دیوان عدالت اداری»

دیوان عدالت اداری به اعتراض و شکایات مردم علیه "دستگاه و واحدهای دولتی" یا "مصوبات دولتی" رسیدگی میکند. دیوان عدالت اداری بالاترین مرجع اداری در ایران است. شکایت از اشخاص حقیقی (مثلاً کارفرما) از مصادیق ماده 11 قانون دیوان عدالت اداری نمیباشد. شکایت از اشخاص حقیقی تنها از طریق هیات های تشخیص و حل اختلاف قابل رسیدگی است

اگر نسبت به رأی قطعی و لازم الاجرا هیات حل اختلاف اعتراض داشته باشید میتوانید استناد به بند 2 ماده 11 قانون عدالت اداری به دیوان مذکور تقاضای رسیدگی نمایید. تصمیم و رأی دیوان عدالت اداری طبق ماده 43 از آیین دادرسی دیوان (قرار: تجدیدنظر یا تجدید دادرسی) ظرف 20 روز پس از تاریخ ابلاغ برای تجدیدنظر یا رفع نقض قابل اعتراض و ارجاع به یکی از شعب دیوان عدالت اداری است

## «هیات حل اختلاف همعرض»

اگر دیوان عدالت اداری شکایت و اعتراض وارده را موجه تلقی و رأی هیات حل اختلاف را مردود اعلام نماید پرونده به هیات حل اختلاف همعرض (هیات های حل اختلاف در یکی دیگر از شهرهای استان) ارجاع میشود

چنانچه در هیات حل اختلاف همعرض از اجرای تصمیم و رأی دیوان عدالت اداری خودداری و امتناع شود یا بنحوی رأی دیوان عدالت اداری در نظر گرفته نشود شاکی (کارگر) میتواند با استناد به رأی قطعی دیوان عدالت اداری به دادگستری محل مراجعه و از هیات حل اختلاف همعرض بطور رسمی شکایت کنند

توقیف یا قطع اجرای حکم استناد به ماده 24 قانون آیین دادرسی مدنی در یکی از "شعب دیوان عدالت اداری" یا با "رضایت کتبی محکوم له" (شاکی) امکانپذیر است. وزارت کار و امور اجتماعی چنین صلاحیتی را ندارد

در بخش‌های قبل از وضعیت سندیکا و شرایط کارگران خباز شهرستان بوکان نوشتیم. برای افزایش دستمزد و تعیین مزد پایه با نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان دولت از طریق گفتگو و مذاکره چندین جلسه برگزار کردیم که نتیجه ای حاصل نشد. همچنین اقدام به اعتصاب و تحسن عمومی که زنگ خطر جدی برای مسئولین و کارفرمایان بود بنا به مذاکرات و نشست های مخفیانه اعضای هیات مدیره با اداره اطلاعات و حراست فرمانداری بدون اینکه خطری در کار باشد خاموش و به حاشیه رانده شد.

تنها گزینه ای برای کارگران باقی مانده بود. آنان مجبور بودند بصورت فردی برای افزایش دستمزد با استناد به مصوبه های شورای عالی کار از کارفرمایان خود شکایت کنند تا حداقل دستمزدها برخوردار باشند.

کارگران خباز به چند دلیل مهم و اساسی زیر از کارفرمایان خود شکایت نمی کردند

● ترس از اخراج، چون کارگران میدانستند اداره کار به نفع کارفرمایان رأی صادر خواهد کرد.

● ترس از بیکاری که بزرگترین دغدغه جامعه کارگری است.

● فرهنگ و سنت عقب افتاده، ارتجاعی و مذهبی رایج در جامعه که بیشتر تصمیمات بر مبنای هر چی خدا بخواهد همین است ... یا قسمت همین بوده است و

● روابط و مناسبات انسان دوستانه و عاطفی کارگران باعث می شد بلحاظ سیاسی و قانونی از حق خود بگذرند یا کوتاه بیایند.

● عدم پشتوانه مادی و معنوی یا فقدان یک انجمن صنفی رادیکال که بتواند از کارگران اخراجی و بیکار دفاع کند.

● نبود قانون تامین اجتماعی و بیمه بیکاری برای همه بیکاران.

● قراردادهای سفید و تعیین دستمزد بر اساس عرف کارگاه، افزایش نرخ نان و به شکل فله ای.

من بعنوان بازرس سندیکای کارگران خباز اولین نفری بودم تصمیم گرفتم در جهت اهداف و برنامه های سندیکا و برای افزایش دستمزد و تعیین مزد پایه پیشقدم شوم. از کارفرمای خود که نسبت خویشاوندی و فامیلی با هم داشتیم در تاریخ 30.04.80 به شماره 103 از هیات تشخیص شهرستان بوکان شکایت کردم و درخواست افزایش دستمزد و مزایای قانونی نمودم. هیات تشخیص در رأی بدوی بدین شکل رأی را صادر نمود

اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان بوکان

صور تجلسه هیات تشخیص

شماره: 103

تاریخ 30.4.1380

جلسه هیات تشخیص اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان بوکان جهت رسیدگی به دادخواست کارگر نانویی اسماعیل خودکام بطرفیت کارفرمای نانویی رحمان پیروتی بخواسته اخراج و عدم پرداخت مزایای قانونی در وقت مقرر با استناد به ماده 158 قانون کار تشکیل است ضمناً در گزارش مامور تحقیق تحت شماره 2033 مورخ 26.04.80 ثبت شده است و با توجه به نامه شبکه بهداشت و درمان شهرستان بوکان مضبوط در پرونده دال بر اجرایی سابقه و خواسته خواهان را موجه تلقی و حکم به ورود آنرا اعلام میدارد و مستند به ماده 41 قانون کار و ماده 45 و مصوبات هیات محترم وزیران و مجلس شورای اسلامی و شورای عالی کار و مفهوم مخالف تبصره ماده 158 قانون کار اصدار رأی مینماید.

کارفرما نانویی شماره 45 آقای رحمن پیروتی مکلف است

مبلغ 32824 ریال بابت مابه التفاوت دستمزد در سال 80 - 1

مبلغ 412434 ریال بابت عیدی و پاداش سال 79 - 2

مبلغ 128000 ریال بابت حق مسکن و خواروبار از تاریخ 09.06.79 لغایت 09.04.80 - 3

مبلغ 318360 ریال بابت ایام تعلق - 4

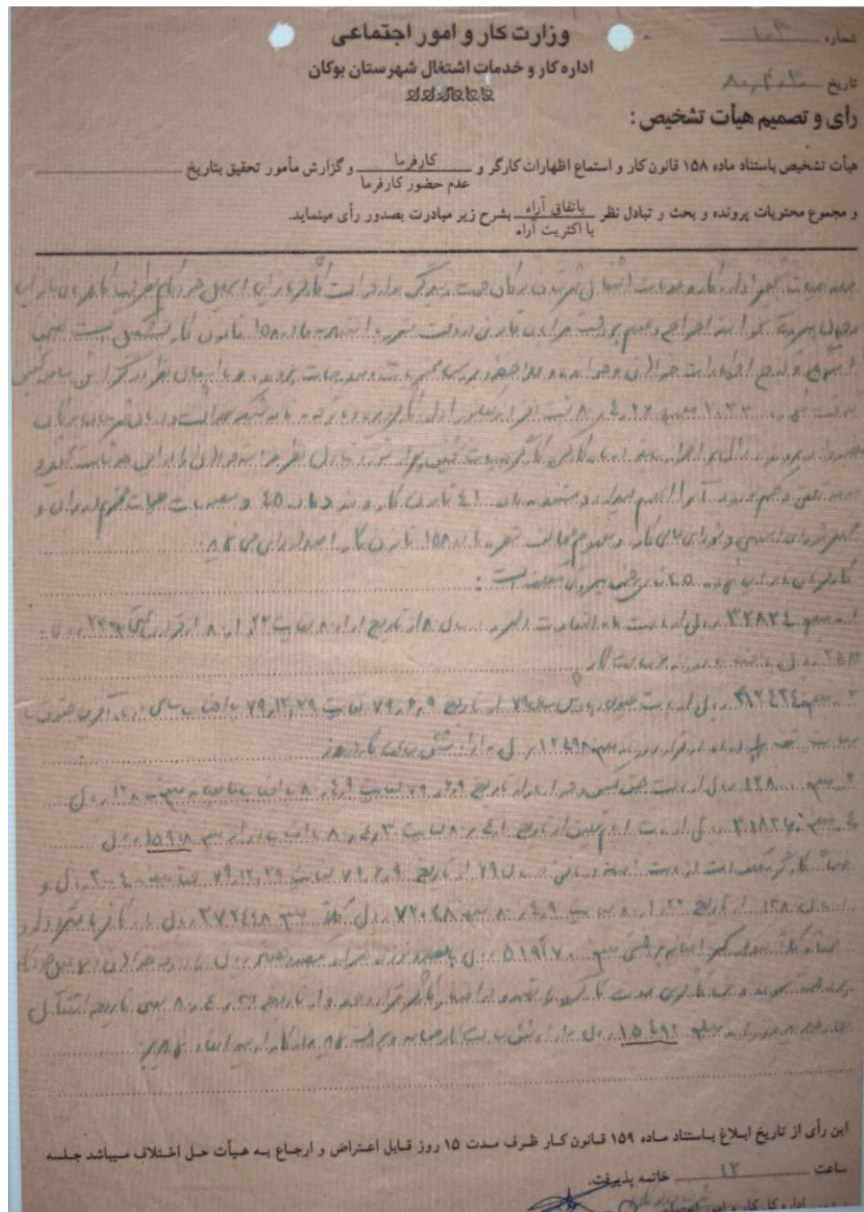
کارفرما موظف است که بن کارگری را تهیه و در اختیار کارگر قرار دهد - 5

از تاریخ 31.04.80 انتقال به کار جدید روزانه مبلغ 15492 ریال به ازای شش ساعت کار محاسبه و پرداخت و به کار اولیه - 6  
ابقاً نماید

نماینده اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان بوکان: جمال افخمی

نماینده کارگران منتخب کانون شوراهای اسلامی کار: محمود آذربادگان

نماینده کارفرمایان و مدیران صنایع: فتاح امیری



...توضیح کوتاه

- آقای محمود آذربادگان عضو سپاه و بسیج فعال بود و در هیات تشخیص شهرستان بوکان بعنوان نماینده کارگران حضور داشت. در حقیقت اداره اطلاعات از طریق این مزدور و رئیس اداره کار امیر بایزیدی (بعد از مدتی با رئیس اداره کار شهرستان مهاباد علی خضرزاده جابجا شد) طرح و نقشه های خود را علیه فعالین کاکگری بخوبی پیش میبردند.
- آقای فتاح امیری نیز آدمی به تمام معنا ضد کارگر و نماینده واقعی کارفرمایان بود. آقای فتاح امیری خود را بعنوان انسانی هنرمند، نویسنده، رمان نویس و علاقه مند به ادبیات به جامعه معرفی میکرد. ناگفته نماند تلویزیون کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران سخنان آقای نویسنده را پخش و برایش تبلیغات میکرد. شاید هم مسئولین تلویزیون کومله بخاطر نفوذ و تأثیر اجتماعی کومله سخنان ایشان را پخش کرده اند! البته کومله چه نسبت و روابط حسنه ای با نماینده کارفرمایان و شخص آقای فتاح امیری دارد رهبری این جریان پاسخگو است! این وقایع در شرایطی رخ میداد که صدها نفر از کارگران شهرستان بوکان توسط

امضا و قلم همین آقای نویسنده در هیات تشخیص شهرستان بوکان از کارهایشان اخراج شده اند. احکام و صدور رأی غیرقانونی، ناعادلانه و جنایتکارانه برای صدها کارگر در شهرستان بوکان توسط این سه نفر در هیات تشخیص صادر شده است

در سال 79 با مبلغ روزانه 14000 ریال بر حسب عدل آرد کار کرده‌ام هر چند در برگ رأی هیات تشخیص دستمزد کارگر همراه با مزایای قانونی افزایش یافت اما کار در ناوای بر حسب "ساعت کار" نبود. به همین دلیل من به رأی هیات تشخیص اعتراض کردم و اعتراض خود را کتبا به هیات حل اختلاف تقدیم نمودم و پرونده به هیات حل اختلاف ارسال شد. هیات حل اختلاف بصورت زیر رأی خود را صادر نمود

ادراه کار و خدمات اشتغال شهرستان مهاباد

صورتجلسه حل اختلاف

شماره جلسه: 21

شماره پرونده: 76

رأی و تصمیم هیات اختلاف

هیات پس از استماع اظهارات طرفین دعوی و بررسی محتویات پرونده با اتفاق آرا مستند به ماده 165 قانون کار اخراج شاکی را بدلیل عدم وجود تفاهم اخلاق بلحاظ نظم کارگاه موجه تلقی و رأی هیات تشخیص شهرستان بوکان را فسخ اعلام میدارد

این رأی به استناد ماده 159 قانون کار قطعی و لازم الاجراست

نمایندگان دولت، دادگستری: ولی اله فتحی، فرمانداری: عبدالله آهنگری، اداره کار و امور اجتماعی: علی خضرزاده

نماینده کارگران: خضر صوفی بیرام، فرهاد همایون، احمد فتحی

نماینده کارفرمایان: محمد حسن خاتمی، محمد حسن حسامی، قاسم عزیزی

شماره جلسه: 21  
شماره پرونده: 76

وزارت کار و امور اجتماعی  
اداره کار و امور اجتماعی آذربایجان شرقی

رأی و تصمیم هیات حل اختلاف:  
هیات پس از استماع اظهارات طرفین دعوی و بررسی محتویات پرونده و حضور نمایان نظر اصحاب با استماع نظر هر دو طرف جمع  
۸۸۶۶/۱۵ نامور تعلیق که تحت شماره ۳۰۲۸ - ۸۰/۶/۱۷ ثبت دفتر انتخاباتی اداره کربنده با اتفاق آرا مستند به ماده ۱۶۵ -  
قانون کار اخراج شاکی را بدلیل عدم وجود تفاهم اخلاقی بلحاظ نظم کارگاه موجه تلقی و ضمن فسخ رأی مورخ ۸۹/۶/۳۰  
هیات تشخیص بوکان بشرح آتی میبایست بصورت زیر رأی میباید.

کارفرمای ناوایش شماره ۲۵ آقای رحمان بیرونی متکلف است وجوهات قبل را در وجه طوابع پرداخت و از تاریخ ۸۹/۶/۲۹ به  
هر گونه رابطه کارگریو کارفرمایی فی مابین منتهی بحد.

۱ - مبلغ ۳۱۲۳۲۵ ریال از بابت معذوبی پانزده سال ۸۰ بمدت ۲ ماه و ۹ روز با احتساب دستمزد روزانه ۱۸۹۳۰ ریال مستقیم  
به محضه ۳۰/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی.

۲ - مبلغ ۸۸۱۶۶۹ ریال از بابت معذوبی پانزده سال ۷۹ بمدت ۷ ماه و ۲۱ روز با احتساب دستمزد روزانه ۱۵۲۲۷ ریال مستقیمه  
محضه ۳۰/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی.

۳ - مبلغ ۵۲۰۵۷۵ ریال از بابت مزایای پایان کار شاکی ( سنوات) بمدت ۱۱ ماه از فرار دستمزد روزانه ۱۸۹۳۰ ریال مستقیمه  
مزایای مطرح در ماده ۲۷ قانون کار.

۴ - مبلغ ۱۱۰۰۰۰ ریال از بابت وجه نقدی بین کارگری متاهلین به مدت ۱۱ ماه از قرار ماهانه ۱۰۰۰۰ ریال مستند به مقررات  
شهری کسار.

چنانچه مبلغ ۱۸۲۳۵۸۹ ریال ( یک میلیون و هشتصد بیست و چهار هزار و پانصد هشتاد و نه ریال) در وجه طوابع پرداخت  
و به اتفاق وی منتهی بحد.

این رأی با استناد ماده ۱۵۹ قانون کار قطعی و لازم الاجراست

نمایندگان دولت	نمایندگان کارگران	نمایندگان کارفرمایان
۱ - دادگستری	۱ - خضر صوفی بیرام	۱ - محمد حسن خاتمی
۲ - فرمانداری	۲ - فرهاد همایون	۲ - محمد حسن حسامی
۳ - اداره کار مهاباد	۳ - علی خضرزاده	۳ - قاسم عزیزی

به خاطر اینکه در سندیکای کارگران خباز شهرستان بوکان فعالیت داشتم و بازرس سندیکا بوم همچنین علیه جمهوری اسلامی و اداره کار (امیر بایزیدی) در مجمع عمومی کارگران سخنرانی کرده بودم (در سالهای زندگی یک کارگر و مبارزه برای رهایی طبقه کارگر بخش 9 نوستم) بلاخره زهر خوشان را ریختند و انتقام خود را گرفتند. اداره کار (امیر بایزیدی) به همدستی وزارت اطلاعات رأی غیرقانونی، ناعادلانه و ناعادلانه را بدلیل عدم وجود تفاهم اخلاقی و حفظ نظم کارگاه بدون در نظر گرفتن ماده 21 و 27 قانون کار صادر نمودند و اخراج کارگر را موجه تلقی کردند.

بلافاصله به رأی هیات حل اختلاف شهرستان مهاباد اعتراض و اعتراض خود را کتبا به دیوان عدالت اداری تقدیم نمودم که رأی دیوان عدالت اداری بدین شرح صادر گردید:

دیوان عدالت اداری

شماره دادنامه: 2125

تاریخ: 27.06.1381

مرجع رسیدگی: شعبه 4 دیوان عدالت اداری

طرف شکایت: اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهاباد

موضوع شکایت: اعتراض به رأی اخراج غیر قانونی و ناعادلانه

«رأی دیوان»

در خصوص اعلام شکایت آقای اسماعیل خودکام بطرفیت هیات حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهاباد بخواسته اعتراض به رأی مورخه 08.07.1380 صادره از هیات مزبور برابر مفاد شکواییه نظر به تأیید شورای اسلامی کارگاه و انجمن صنفی قرار نگرفته در نتیجه بلاحظ عدم لحاظ ماده 27 قانون کار و نظر به پاسخ شماره 42769 اداره محترم طرف شکایت اعتراض وی موجه تشخیص حکم به ورود شکایت و نقض رأی مرقوم و اجابت خواسته شاکی از هر حیث صادر و اعلام میگردد. حکم صادره ظرف 20 روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر میباشد.

دادرس شعبه 4 دیوان عدالت اداری: محمد کلانتری

شماره دادنامه: 2125		تاریخ رسیدگی: 81/6/28		کلاس پرونده: 2125/80/4	
مرجع رسیدگی: شعبه 4 دیوان عدالت اداری					
شاکی: آقای اسماعیل خودکام فرزند عبدالله - بوکان امیر آباد کوچه روبروی ترانس برق خ حمامیان منزل حاج عبدالله خودکام					
طرف شکایت: هیات حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی مهاباد					
موضوع شکایت و خواسته: اعتراض به رأی اخراج و غیره					
گوشگوار: دانشجو شاکی پس از ثبت شماره دیوان عدالت اداری و ارجاع شعبه چهارم به کلاس فوق مرئوس شعبه و پس از انجام تشریفات مقدماتی در وقت فوق العاده به ریاست اعضاء کفایت رسیدگی است که با توجه به محتویات آن و پاسخ واصله از خواننده حکم رسیدگی را اعلام و بشرح آتی میباید به صدور رأی میباید.					
<b>رأی هیات دیوان</b>					
در خصوص اعلام شکایت آقای اسماعیل خودکام بطرفیت هیات حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی مهاباد بخواسته اعتراض به رأی مورخه 80/7/8 صادره از هیات مزبور برابر مفاد شکواییه نظر به محتویات پرونده و ملاحظه مدارک مشارکتیه و رأی هیات بدوی و با عنایت باینکه اخراج وی مورد تأیید شورای اسلامی کارگاه و انجمن صنفی قرار نگرفته در نتیجه بلاحظ عدم لحاظ ماده 27 قانون کار و نظر به پاسخ شماره 42769 اداره محترم طرف شکایت اعتراض وی موجه تشخیص حکم به ورود شکایت و نقض رأی مرقوم و اجابت خواسته شاکی از هر حیث صادر و اعلام می گردد حکم صادره ظرف 20 روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر میباشد. ام					
دادرس شعبه 4 دیوان عدالت اداری					
محمد کلانتری					
شماره رأی هیات					
شماره رأی					

اینبار اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهاباد به رأی دیوان عدالت اداری اعتراض نمود. پرونده به شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری ارجاع شد. اداره کار شهرستان مهاباد مدارک قانونی و محکمه پسندی در خصوص "اخراج موجه" نداشت تا به دیوان عدالت اداری ارایه دهد به همین دلیل رأی تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مجدداً به شرح زیر صادر گردید:

دیوان عدالت اداری

شماره دادنامه: 1079

تاریخ: 01.09.1382

مرجع رسیدگی: شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

تجدید نظر خواه: اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهاباد

تجدید نظر خوانده: اسماعیل خودکام

تجدید نظر خواسته: دادنامه شماره 2125 صادر از شعبه 4 دیوان عدالت اداری

« رأی دیوان »

بموجب ماده 2 قانون اصلاح موادی از قانون دیوان عدالت اداری مصوب 01.02.1378 مجلس شورای اسلامی مهلت درخواست تجدید نظر برای اشخاص مقیم ایران 20 روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی میباشد نظر به اینکه دادنامه تجدید نظر خواسته در تاریخ 20.07.1381 ابلاغ و تقاضای تجدید نظر در تاریخ 13.08.1381 خارج از مهلت قانونی تسلیم شده است لذا به رد دادخواست مزبور صادر و اعلام میگردد

مستشار شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری: تقیان مستشار شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری: نوریزاده

تاریخ: ۸۲/۹/۲	کلاس پرونده: ۲۳۷/۸۱/۸	شماره دادنامه: ۱۰۷۹
مرجع رسیدگی: شعبه اول تجدید نظر دیوان عدالت اداری		
تجدید نظر خواه: اداره کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی - شهرستان مهاباد		
تجدید نظر خوانده: آقای اسماعیل خودکام		
تجدید نظر خواسته: دادنامه شماره ۲۱۲۵ مورخ ۸۱/۶/۲۸ پرونده کلاسه ۲۱۳۴/۲۸۱ شماره از شعبه ۴ دیوان عدالت اداری		
گردشکار: اداره کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی به موجب دادخواست تجدیدنظر خواهی مورخه ۸۱/۸/۱۲ و در خارج از فرجه قانونی نسبت به دادنامه بدوی شماره ۲۱۲۵/۲۸-۸۱/۶/۲۸ معترض و به دلایل مندرج در آن خواهان فرسخ آن می باشد.		
که پس از وصول و ارجاع باین شعبه بکلاس ۲۳۷/۸۱/۸ ثبت گردیده که ضمن انجام تشریفات قانونی پس از مطالعه محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و بشرح آتی مراتب مقتضای رأی مینماید.		
<b>رأی</b>		
بموجب ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۲۸/۲/۸۱ مجلس شورای اسلامی مهلت درخواست تجدیدنظر برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی میباشد نظر به اینکه دادنامه تجدیدنظر خواسته در تاریخ ۸۱/۷/۲۰ ابلاغ و تقاضای تجدیدنظر در تاریخ ۸۱/۸/۱۲ و خارج از مهلت قانونی تسلیم شده است لذا به رد درخواست مزبور صادر و اعلام میگردد.		
مستشار شعبه اول تجدید نظر دیوان عدالت اداری: مستشار شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری		
تقیان		
نوریزاده		

دیوان عدالت اداری رأی هیات تشخیص شهرستان بوکان و حل اختلاف شهرستان مهاباد را که در راستای اهداف اداره اطلاعات شهرستان بوکان صادر شده بود مردود و آن را غیر قانونی اعلام نمود.

به همین دلیل هیات حل اختلاف شهرستان مهاباد (رئیس: علی خضر زاده) و هیات تشخیص شهرستان بوکان (رئیس: امیر بایزیدی) به رأی دیوان عدالت اداری اعتراض نمودند. اینبار از طریق مدیر کل تنظیم نظارت بر روابط استان آذربایجانغربی به دیوان عدالت اداری شکایت و درخواست تجدیدنظر مجدد نمودند.

به همین دلیل در خصوص این پرونده جلسه‌ای محرمانه در اداره کار شهرستان بوکان به حضور اداره اطلاعات و نماینده اداره کار شهرستانهای استان آذربایجانغربی تشکیل شد. خوشبختانه یکی از کارمندان اداره کار از تشکیل این جلسه محرمانه به من خبر داد و گفت در خصوص پرونده شما تصمیم قطعی گرفته‌اند تا اخراج شما را موجه تلقی نمایند. آنان بخوبی میدانند رأی و تصمیم شان نسبت به پرونده شما غیر قانونی است به همین دلیل به تمام هیات های حل اختلاف استان آذربایجانغربی کتبا نامه نوشته‌اند که رأی صادره از دیوان عدالت اداری را نادیده بگیرند و به بهانه‌های مختلفی "اخراج کارگر را موجه" تلقی کنند. ضمناً همین کارمند یک نسخه کپی شده از نامه امیر بایزیدی که پیوست به نامه مدیر کل تنظیم نظارت بر روابط استان آذربایجانغربی بود و در آنجلسه به دیوان عدالت اداری نوشته شده بود بطور مخفیانه به من داد. متن آن به شرح زیر است:

اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان بوکان

شماره: 6769

تاریخ: 05.08.1381

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: تجدید نظر خواهی به رأی شماره 2125

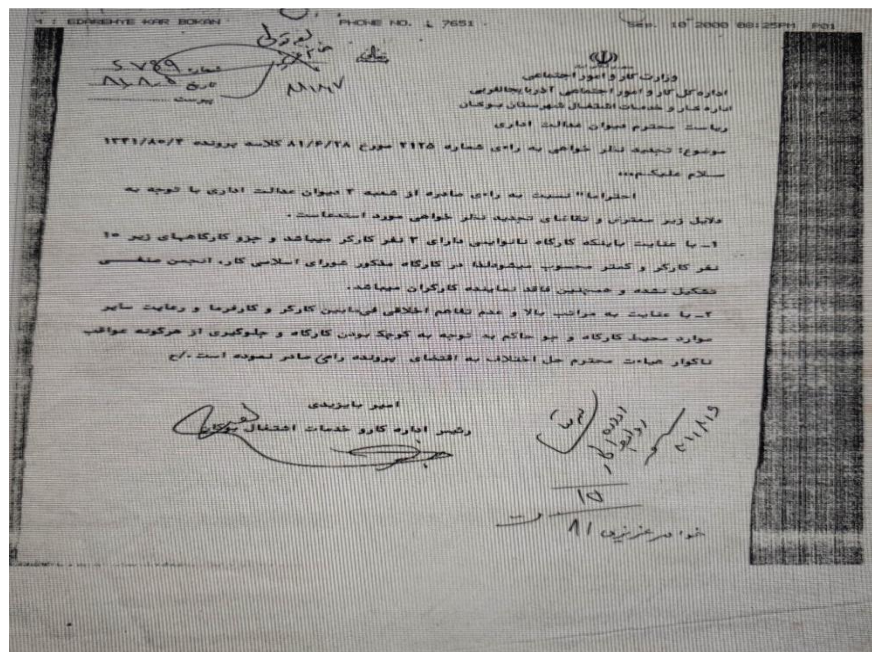
سلام علیکم

احتراماً نسبت به رأی صادره از شعبه 4 دیوان عدالت اداری با توجه به دلایل زیر معترض و تقاضای تجدید نظر خواهی مورد استدعاست:

با عنایت باینکه کارگاه نانوائی داری 3 نفر کارگر میباشد و جزو کارگاههای زیر ده نفر کارگر و کمتر محسوب می‌شود لذا 1- در کارگاه مذکور شورای اسلامی کار، انجمن صنفی تشکیل نشده و همچنین فاقد نماینده کارگران میباشد

با عنایت به مراتب بالا و عدم تفاهم اخلاق فی مابین کارگر و کارفرما و رعایت سایر موارد محیط کارگاه و جو حاکم به 2- توجه به کوچک بودن کارگاه و جلوگیری از هر گونه عواقب ناگوار هیات محترم حل اختلاف به اقتضای پرونده رأی صادر نموده است.

رئیس اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان بوکان: امیر بایزیدی





رئیس اداره کار شهرستان بوکان امیر بایزیدی آنچه را که برای دیوان عدالت اداری در 2 بند نوشته کرده بود دروغ محض بود چون کارگاه های نانوائی شهرستان بوکان انجمن صنفی داشتند شخصا نماینده انتخاب شده کارگران نانوائی و بازرس اصلی انجمن صنفی کارگران خباز شهرستان بوکان بودم

من نسبت فامیلی با کارفرما داشتم و عدم "تفاهم اخلاقی" و "عواقب ناگوار" هیچ دلیل قانونی به "اخراج موجه" کارگر نداشت. تلاش برای اجرایی کردن طرح و دسیسه اداره کار شهرستانهای بوکان و مهاباد و همچنین اداره کار شهرستانهای استان آذربایجانغربی با همکاری اداره اطلاعات تأثیری بر تغییر یا تجدیدنظر در رأی دیوان عدالت اداری نداشت. دیوان عدالت اداری مجدداً رأی خود را در خصوص اعتراض مدیر استان به صورت زیر صادر نمودند:

دیوان عدالت اداری

شماره قرار: 34

تاریخ: 10.01.1382

مرجع صادر کننده قرار: دفتر شعبه دهم تجدید نظر دیوان عدالت اداری

تجدید نظر خواه: مدیر کل محترم تنظیم و نظارت بر روابط

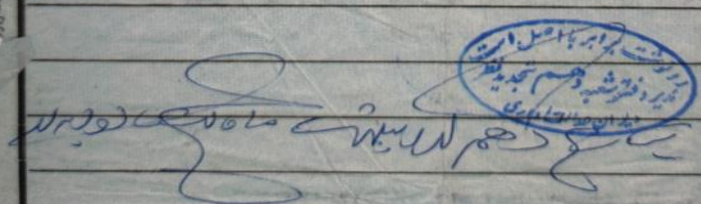
تجدید نظر خوانده: اسماعیل خودکام

خواسته: اعتراض به دادنامه شماره 2125 صادره از شعبه 4 دیوان عدالت اداری

«قرار»

نظر به اینکه تجدیدنظر خواه با وجود ابلاغ احضاریه رفع نقض، نسبت به تکمیل پرونده اقدام ننموده لذا به استناد به ماده 44 از آیین دادرسی دیوان قرار رد دادخواست صادر میگردد.

مدیر شعبه دهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری: غفارلو

بسمه تعالی		
شماره قرار: ۳۴	تاریخ: ۸۲/۱/۱۰	کلاس پرونده: ۱۰۱۷/۸۱/۱۰
مرجع صادر کننده قرار: دفتر شعبه دهم تجدید نظر دیوان عدالت اداری		
تجدید نظر خواه: مدیر کل محترم تنظیم و نظارت بر روابط کار		
تجدید نظر خوانده: آقای اسماعیل خود کام فرزند عبدا. به نشانی بوکان امیر آباد کوچه رویروی ترانس برقی خیابان حمامیان منزل حاجی عبدا. خود کام		
خواسته: اعتراض بدادنامه شماره: ۲۱۲۵-۸۱/۲/۲۸ صادره از شعبه ۲ دیوان عدالت اداری		
گرایشکار: تجدید نظر خواه اعتراضی به خواسته فوق تقدیم که باین شعبه ارجاع و بخواسته مذکور ثبت گردیده چون پرونده تکمیل نبوده اقدام با ارسال اخطاریه با قید موارد نقض شده با ابلاغ اخطاریه مذکور در فرجه قانونی رفع نقض بعمل نیامده. لذا در تاریخ بالا پرونده تحت نظر واقع و بشرح زیر مبادرت به صدور قرار مینماید.		
(( قرار ))		
نظر باینکه تجدید نظر خواه با وجود ابلاغ اخطاریه رفع نقض، نسبت به تکمیل پرونده اقدام ننموده، لذا با استناد ماده ۴۴ از آیین دادرسی دیوان قرار رد دادخواست صادر میگردد. / با		
مدیر دفتر شعبه دهم تجدید نظر دیوان عدالت اداری غفارلو		
		

بعد از ابلاغ رأی دیوان عدالت اداری مجدداً پرونده را جهت بررسی و رسیدگی به هیات حل اختلاف همعرض شهرستان ارومیه ارجاع دادند. این اتفاقات در زمانی رخ میداد که به تمام ادارات کار و امور اجتماعی استان و هیات های حل اختلاف تذکر داده شده بود که رأی صادره از دیوان عدالت اداری را نادیده بگیرند و به بهانه های مختلفی اخراج کارگر (اسماعیل خودکام) را موجه تلقی کنند. هیچکدام از این ادارات و هیات های داوری مستقل نبودند. در حقیقت از جانب اداره اطلاعات و امنیت برای هیات های داوری و قضایی تصمیم گرفته میشد. رأی دیوان عدالت اداری که بالاترین مرجع اداری در ایران است در برابر نظر و رأی اداره اطلاعات ارزشی نداشت. پیش از تشکیل جلسه در هیاتهای حل اختلاف همعرض رأی صادر میشد و اخراج کارگر را موجه تلقی میکردند. عدم استقلال قضایی، پیش داوری، رشوه خواری، فشار و محدودیت بر کارگر و صدور احکام جنایتکارانه بخش جدایی ناپذیر از قانون جمهوری اسلامی ایران محسوب میشود.

اتخاذ تصمیم و صدور رأی از هیات حل اختلاف همعرض استان آذربایجانغربی شهرستان ارومیه را ببینید و خودتان قضاوت کنید.

اداره کل کار و امور اجتماعی آذربایجانغربی شهرستان ارومیه

شماره: 26408

تاریخ: 28.4.1382

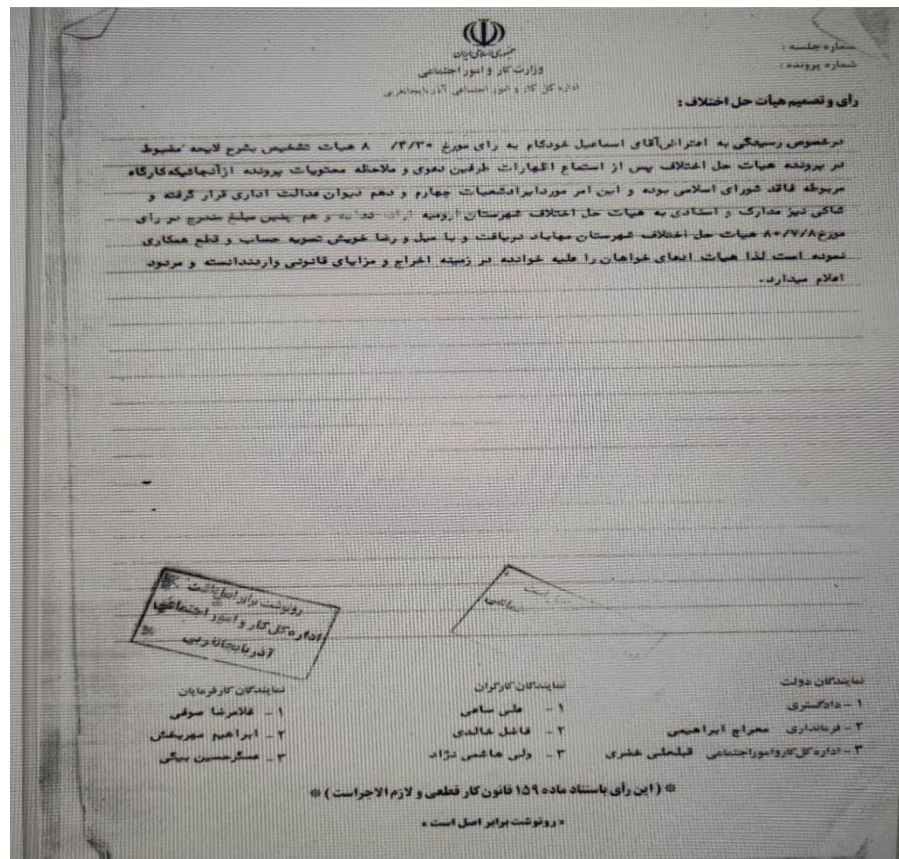
رأی و تصمیم هیات حل اختلاف شهرستان ارومیه

در خصوص رسیدگی به اعتراض آقای اسماعیل خودکام به رأی هیات اختلاف پس از اظهارات طرفین دعوی و ملاحظه محتویات پرونده از آنجاییکه کارگاه مربوطه فاقد شورای اسلامی بوده و این امر مورد ایراد شعبه 4 دیوان عدالت اداری قرار گرفته و شاکه نیز مدارک و اسنادی به هیات حل اختلاف شهرستان ارومیه ارائه داده است و با میل و رضا خویش تسویه حساب و قطع همکاری نموده است. لذا هیات ادعای خواهان را علیه خوانده در زمینه اخراج و مزایای قانونی وارد ندانسته و مردود اعلام میدارد.

نماینده دولت، دادگستری: ...، فرمانداری: معراج ابراهیمی، اداره کار و امور اجتماعی: قیعلی خضری

نماینده کارگران: علی ساعی، فاضل خالدی، ولی هاشم نژاد

نماینده کارفرمایان: غلامرضا صوفی، ابراهیم مهربخش، عسگر حسین بیگی



اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ارومیه نیز بدون در نظر گرفتن موارد قانونی، "اخراج کارگر را موجه" تلقی کرده و اعلام میدارد که کارگر با میل و رضا خویش با کارفرما تسویه حساب و قطع همکاری نموده است. این حکم علاوه بر اینکه قانونی نیست بلکه یک دروغ محض بود. هر انسانی حتی از قانون شناختی نداشته باشد بخوبی متوجه می‌شود اگر کارگر با میل و رضا خویش تسویه حساب کرده است پس چرا به رأی و تصمیم هیات های تشخیص و حل اختلاف اعتراض و برای بررسی پرونده به دیوان عدالت اداری کتبا شکایت نوشته است؟

من به رأی هیات حل اختلاف همعرض (استان آذربایجانغربی/ ارومیه) اعتراض کردم و اعتراض خود را کتبا به دیوان عدالت اداری تقدیم نمودم. دیوان عدالت اداری مجدداً بصورت زیر رأی خود را در خصوص هیات همعرض استان آذربایجانغربی (ارومیه) صادر نمود

دیوان عدالت اداری

شماره دادنامه 1730

تاریخ: 16.07.1383

مرجع رسیدگی: شعبه 4 دیوان عدالت اداری

شاکلی: اسماعیل خودکام

طرف شکایت: اداره کل کار و امور اجتماعی آذربایجانغربی

موضوع شکایت: اعتراض به رأی هیات حل اختلاف

«رأی دیوان عدالت اداری شعبه 4»

در خصوص دادخواست شاکلی آقای اسماعیل خودکام به طرفیت اداره کار و امور اجتماعی آذربایجانغربی (ارومیه) بخواسته نقض رأی مورخه 06.05.1382 هیات اختلاف باتوجه به محتویات پرونده پاسخ خوانده و ملاحظه سابقه نظر باینکه هیات مذکور بدون مد نظر قرار دادن دادنامه 2125 شعبه 4 دیوان عدالت اداری موضع ماده 27 قانون کار مجدد رأی منقوض مورخه 08.07.1380 هیات حل اختلاف را تأیید نموده است و شاکلی مقرر نبوده است مدرکی را ارایه دهد و تسویه حساب هم در پرونده ملاحظه نمیشود و معلوم نیست به معنای انصراف از تعقیب موضوع باشد و اعتراض موجه است. لذا حکم به ورود شکایت شاکلی و نقض رأی فوق الاشعار صادر و رسیدگی به هیات همعرض ارجاع می‌شود. این رأی ظرف 20 روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر میباشد.

دادرس شعبه 4 دیوان عدالت اداری: حسن مهدوی

تاریخ: ۱۳۸۳/۰۷/۱۶  
شماره: ۱۷۳۰  
پست: ۱۳۵۷/۸۲/۴

جمهوری اسلامی ایران  
استان آذربایجان غربی  
دیوان عدالت اداری

تاریخ: ۱۳۸۳/۰۷/۱۶  
کلاس پرونده: ۱۳۵۷/۸۲/۴  
شماره دادنامه: ۱۷۳۰

مرجع رسیدگی: شعبه ۴ دیوان عدالت اداری  
شاکلی: آقای اسماعیل خودکام - یوکان، امیرآباد خ حمامیان کوچه رویروی ترانس برق منزل آقای عبدالله خودکام

طرف شکایت: اداره کل کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی  
موضوع شکایت و خواسته: اعتراض به رأی هیات حل اختلاف

گروه کار: دادخواست شاکلی پس از ثبت شماره دیوان عدالت اداری و ارجاع به شعبه چهارم به کلاس فوق در این شعبه و پس از انجام تشریفات مقدماتی در وقت فوق العاده به ریاست امضاءکننده تحت رسیدگی است که باتوجه به محتویات آن و پاسخ واصله از خوانده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح آتی مبادرت بصورت رأی مینماید.

**رأی شعبه چهارم**

در خصوص دادخواست آقای اسماعیل خودکام به طرفیت اداره کل کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی (ارومیه) بخواسته نقض رأی مورخه ۰۶/۰۵/۱۳۸۲ هیات حل اختلاف (همعرض) با توجه به محتویات پرونده، پاسخ خوانده و ملاحظه سابقه نظر باینکه هیات مذکور بدون مد نظر قراردادن دادنامه ۲۱۲۵-۸۱/۰۷/۱۳۸۰ شعبه چهارم دیوان عدالت اداری موضع ماده ۲۷ قانون کار مجدد رأی منقوض مورخه ۰۸/۰۷/۱۳۸۰ هیات حل اختلاف را تأیید نموده است و شاکلی مقرر نبوده است مدرکی ارائه نماید و تسویه حساب هم در پرونده ملاحظه نمی‌شود و معلوم نیست به معنای انصراف از تعقیب موضوع باشد و اعتراض موجه است لذا حکم به ورود شکایت شاکلی و نقض رأی فوق الاشعار صادر و رسیدگی به هیات همعرض ارجاع می‌شود این رأی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر می‌باشد. ۵/

دادرس شعبه ۴ دیوان عدالت اداری  
حسن مهدوی

روز شنبه ۱۳۸۳/۰۷/۱۶  
مهر شعبه ۴ دیوان عدالت اداری

مبارک حسینی  
مجلس شورای اسلامی استان آذربایجان غربی

اینبار و برای چندمین بار این پرونده برای رسیدگی به هیات همعرض دیگری در شهرستان میاندوآب ارجاع شد. قبل از تشکیل جلسه تصمیم و رأی هیات حل اختلاف شهرستان میاندوآب نیز معلوم و مشخص بود همچنان که توضیح دادم هیات های داوری مستقل نبودند این ادارات از ترس اداره اطلاعات شهرستان بوکان جرأت نمیکردند که رأی قانونی صادر کنند یا رأی و تصمیم دیوان عدالت اداری را در نظر بگیرند. به همین دلیل حکم از قبل صادر میشد و به بهانه های مختلف اخراج کارگر را موجه تلقی میکردند.

همچنان که پیشبینی کرده بودیم بدون اینکه به اظهارات طرفین دعوی توجهی شود یا رأی دیوان عدالت اداری در نظر گرفته شود در عرض کمتر از 5 دقیقه رأی هیات همعرض شهرستان میاندوآب به شرح زیر صادر گردید

اداره کار و امور اجتماعی شهرستان میاندوآب

شماره: 257

تاریخ: 17.12.1383

رأی و تصمیم هیات حل اختلاف

در اجرایی دادنامه شماره 1730 مورخ 16.07.1383 دادرسی شعبه چهارم دیوان عدالت اداری پرونده شاکی اسماعیل خودکام پس از شور و مشورت و بررسی مجموع محتویات پرونده با اتفاق ارا عیناً به شرح صحت و استواری رأی اصدار یافته از ناحیه هیات حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی مهاباد (اخراج موجه) را تأیید مینماید

نمایندگان دولت، دادگستری: مقصود حقوقی، فرمانداری، نورو علی محمودی، اداره کار و امور اجتماعی: فراز صدیق زاده

نماینده کارگران: یونس مهراسا، خانعلی محمدیان، یعقوب ممقانی

نماینده کارفرمایان: حبیب اله حضرت زاده، افضل اصغری پور، عظیم تابعلی

**وزارت کار و امور اجتماعی**  
اداره کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی  
اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان میاندوآب

**رأی و تصمیم هیات حل اختلاف:**

در اجرای دادنامه شماره ۱۷۳۰ مورخ ۱۶/۰۷/۱۳۸۳ شعبه چهارم دیوان عدالت اداری پرونده شاکی اسماعیل خودکام بطرفیت آقای رحمان بهرزیس خرگنده مورخ ۱۲/۱۲/۱۳۸۳ هیات حل اختلاف مطرح که پس از شور و مشورت و مشورت محتویات پرونده با اتفاق ارا عیناً به شرح زیر صحت و استواری رأی اصدار یافته از ناحیه هیات حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی مهاباد را تأیید مینماید.

به نشانه اینکه صحت تعیینی از موضوع دادنامه است و احتمال آن میسرود کارفرما شخص دیگری را جایگزین نموده باشد باز در صورت لزوم در صورتیکه کارفرما با تعیین نظام اختلاف نتواند ادعا نماید امکان ابقاء بکار شاکی برای کارفرما وجود نخواهد داشت.

۰ - میرحاج آقای رحمان بهرزیس مکلف است مطالب مشروحه ذیل را در حق متذالیه پرداخت و به هرگونه ادعای بعدی اخطانمیدهد.

۱ - مبلغ ۲۱۲/۳۶۵ ریال (صصد و نوزده هزار و سیصد و پنجاه و پنج ریال) بابت تعیینی و پانزده سال ۸۰ بحدت ۳ ماه و ۹ روز با احتساب مستمره روزانه ۱۸/۹۴۰ ریال منتهی به مجموعاً مورخ ۲۰/۱۲/۸۴ مجلس محترم شورای اسلامی.

۲ - مبلغ ۸۸۲/۶۶۹ ریال (هشتصد و هشتاد و دو هزار و سیصد و شصت و نه ریال) بابت تعیینی و پانزده سال ۷۹ بحدت ۷ ماه و ۱۱ روز با احتساب مستمره روزانه ۱۵/۲۶۷ ریال منتهی به مجموعاً مورخ ۲۰/۱۲/۸۴ مجلس محترم شورای اسلامی.

۳ - مبلغ ۵۲۰/۵۷۵ ریال (پانصد و بیست و هزار و پانصد و هفتاد و پنج ریال) بابت حق سنوات ۱۱ ماه کارکرد از قرار مستمره روزانه ۱۸/۹۴۰ ریال منتهی به مجموعاً مزایای مشروحه فرماده ۲۷ قانون کار.

۴ - مبلغ ۱۱۰/۰۰۰ ریال (یکصد و ده هزار ریال) بابت وجه تعیینی کارکردی ۱۱ ماه کارکرد از قرار ماهیانه ۱۰۰۰۰ ریال منتهی به مجموعاً وزارت کار.

چهارم - بکلاف مبلغ ۱/۸۴۴/۵۸۹ ریال (یک میلیون و هشتصد و بیست و چهار هزار و پانصد و هشتاد و نه ریال) این رأی به استناد ماده ۱۵۹ قانون کار مشتمل بر موارد زیر است:

روا شد در این باب

شماره پرونده	نام شاکی	نام کارفرما	تاریخ رأی
۱ -	مقصود حقوقی	یونس مهراسا	۱ -
۲ -	نوروز علی محمدیان	خانعلی محمدیان	۲ -
۳ -	فرمانداری	معمود حقوقی	۳ -

من بلافاصله به صدور این رأی دیکته شده از سوی اداره اطلاعات اعتراض کردم و مجدداً به دیوان عدالت اداری شکایت نوشتم این در زمانی بود متأسفانه من بنا به دلایلی مجبور بودم ایران را ترک کنم و این پرونده بنا به قوانین ایران فعلاً مسدود شده است.

از یکطرف بیکاری و هزینه مکاتبات و ایاب و ذهاب و ارسال این پرونده به هیات های تشخیص و حل اختلاف و شعب دیوان اداری و هیات حل اختلاف همعرض در شهرهای مختلف ایران و تشکیل جلسات متعدد، بی نتیجه، بی سر و ته، غیرقانونی، سردرگم و خسته کننده و ... از طرف دیگر طولانی بودن این پرونده به مدت حدود 4 سال هیچ امیدی برای کارگر باقی نماند. همین نتایج به ما می آموزد که در نظام جمهوری اسلامی ایران هیات داوری و دستگاههای قضایی مستقل نیستند و اساساً چیزی بنام "قانون" وجود ندارد.

(قسمت دوم)

کارفرمایان من را میشناختند به من کار نمیدادند در چنین جامعه ای نان در آوردن به معنای کار بسیار دشوارتر و دردناکتر از مفهوم واقعی آن است که آدم تصورش میکند. بلاخره بعد از بیکاری طولانی مدت توانستم در یک نانوائی کار کنم. کارفرما زنی میانسال و بیسوادی بود. حدود 5 ماه کار کردم همه چیز خوبی پیش میرفت. کارفرما از کارم خیلی راضی بود طوری که هنوز یک هفته کار نکرده بودم 100 تومان به حقوقم اضافه کرد.

مشکل اساسی این نانوائی این بود کارگر و ابر به اسم (س.پ) که ستون پنجم محسوب میشد متأسفانه برای اداره اطلاعات خبرچینی و فعالیت میکرد. این شخص برای اعضای سندیکا و فعالین شناخته شده بود در جلسات عادی حضور داشت ولی به جلسات اصلی راهش نمیدادند. معمولاً اتخاذ تصمیم و بحث و گفتگو ها در رابطه با موضوعات مهم، سیاسی و سرنوشت ساز که به جامعه و کارگران مربوط بود در جلسات اصلی تعیین و مشخص میشد. تصمیمات گرفته شده در جلسات اصلی عکس آنچه بود که در جلسات عادی بحث و گفتگو میشد. این تاکتیک برای رد گم کردن اوباشان و جیره خوران اداره اطلاعات بود به همین دلیل ستون پنجم و خبرچین ها گزارش خود را از جلسات عادی به اداره اطلاعات منعکس میکردند بدون اینکه از جلسات اصلی خبر داشته باشند. به همین دلیل من نیز با دقت و با احتیاط کامل با شخص (س.پ) در محیط کار کنتاکت و رابطه داشتم.

خلاصه همه چیز به خوبی پیش میرفت از اینکه کار پیدا کرده بودم خوشحال بودم چون راحتتر میتوانستم وظایف محوله سندیکا را بخوبی انجام دهم. حقیقتاً در چنین جامعه ای فعالیت های سیاسی و کارگری بدون پشتوانه اقتصادی بسیار دشوار است.

ماه اول زمستان بود هوا برفی و به شدت سرد بود متأسفانه من دچار سرماخوردگی شدیدی شدم. با رضایت کارفرما اجازه مرخصی 3 روزه گرفتم البته اجازه پزشکی هم داشتم. یک نفر را موقتاً جایگزین خودم کردم. بعد از اتمام مرخصی که به محل کار مراجعه کردم کارفرما دست به گریه و زاری کرد. داد و فغان میکرد که چرا به من نگفتید شما مسئول سندیکا هستید بدبخت شدم. گریه کنان اشک میریخت بدبخت شدم بیچاره شدم ... سهمیه نانوائی را قطع میکنند دار و ندار من همین سهمیه نانوائی است. طوری گریه میکرد و اشک میریخت دلم بحالش سوخت.

فوراً متوجه شدم که مشکل از چه قراری است گفتم دایه خدیجه چه کسانی شما را تهدید کرده اند که میخواهند سهمیه نانوائی شما را قطع کند؟ فقط گریه میکرد و به من چیزی نگفت. گفتم اگر دلایلش را به من نگویند یا چه کسانی شما را تهدید کرده اند مجبور هستم از شما به اداره کار و امور اجتماعی شکایت کنم. گفت: هر کاری میخواهید بکنید ولی خواهشان طرف نانوائی من نزدیک نشوید چون سهمیه نانوائی را قطع میکنند.

برای ابقا به کار اولیه از اداره کار و امور اجتماعی ( هیات تشخیص ) شکایت نوشتم در جلسه هیات تشخیص کارفرما همراه با گریه و زاری و اشک ریختن اظهار داشت اخلاق و رفتار کارگر خارج از دین و شرح مقدسات اسلام است. سخنانش را قطع کرد و گفت من در تاریخ 14.11.1381 لایحه ای را تقدیم اداره کار نموده ام

همه چیز پیشبینی شده بود اداره اطلاعات به همکاری اداره کار و همچنین از طریق جیره خوارن خود در نانوائی به اسم های (س.پ، و ابر) و (ع.ا، شاطر) توانسته بودند طرح و نقشه اشان را بخوبی پیش ببرند. کارفرما را تهدید کرده بودند بگوید که کارگر اسماعیل خودکام به "مقدسات اسلام" و "دین و شریعت" توهین کرده است و گرنه سهمیه نانوائی قطع خواهند کرد. البته کارفرما را خوبی راهنمایی کرده بودند که چکار کند. همچنانکه در رأی هیات تشخیص مبینید 16 روز زودتر از اخراج کارگر یعنی در تاریخ 08.10.1381 به شماره 8877 گزارشی را در رابطه با "توهین به مقدسات اسلام" همراه با لایحه ای از سوی اداره اطلاعات برای اداره کار ارسال کرده بودند که من از همه چیز بیخبر بودم

هدف اداره اطلاعات از طرح این نقشه تنها اخراج من از کار نبود بلکه زیرکانه میخواستند از طریق هیات حل اختلاف و هیات تشخیص و صدور رأی بنا به "توهین به مقدسات اسلام" از جانب کارگر و عنایت به گزارش "مامور تحقیق" و جمع آوری "گواهی و شهادت" دو نفر وابسته به اداره اطلاعات، پرونده کارگر (اسماعیل خودکام) را به دادرسی انقلاب اسلامی ارجاع دهند.

من بلافاصله در همان جلسه به نحوه رسیدگی این پرونده اعتراض کردم ولی مسئول اداره کار جمال افخمی از نوشتن اظهارات من در برگ رای خودداری میکرد. از دفاعیات من در رابطه با توهین به مقدسات اسلام هیچ چیزی در برگ رای هیات نوشته نکرد.

من نیز برگ رای را امضا نکردم و نوشتم مراتب فوق مورد تأیید بنده نیست و امضا نمیکنم. جمال افخمی (نماینده اداره کار)، محمود آذربادگان (بسیجی و نماینده کارگران) و آقای فتاح امیری (نماینده کارفرمایان) با عصبانیت اعلام کردند اگر امضاء هم نکنید مشکلی نیست ما بر روی برگه رای مینویسیم: کارگر اظهارات خود را بیان و از امضا آن خودداری نموده است. تمام نقشه های ایشان از پیش مشخص بود همین کار را کردند که خودشان میخواستند

اداره کار و امور اشتغال شهرستان بوکان

صورت جلسه هیات تشخیص

شماره: 329

تاریخ: 14.11.1381

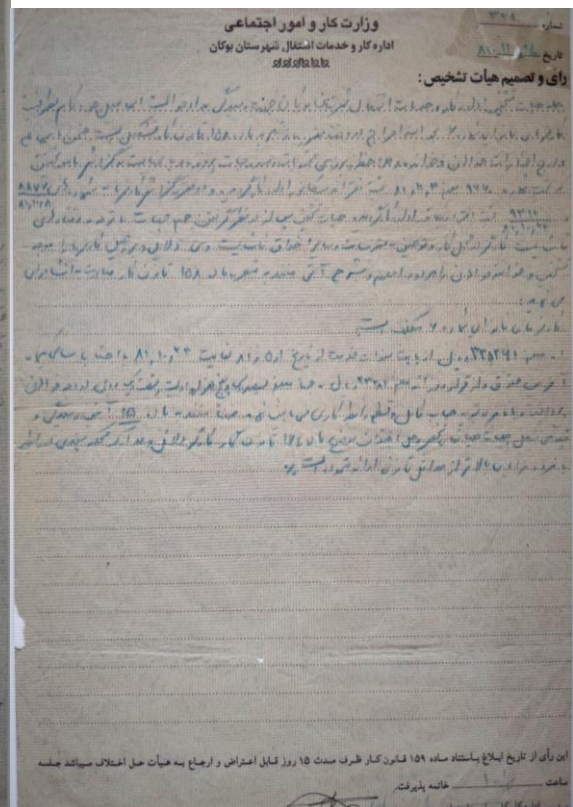
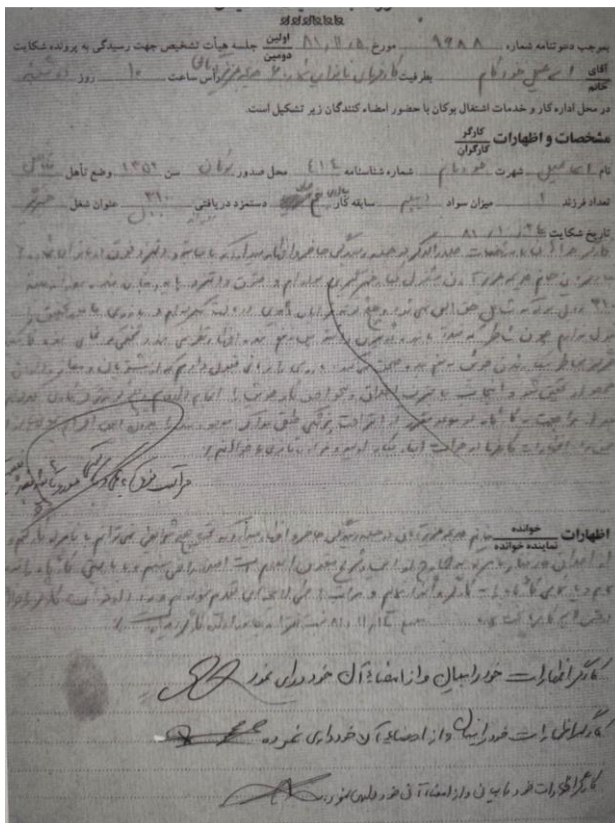
رای هیات تشخیص

جلسه هیات تشخیص اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان بوکان جهت رسیدگی به دادخواست اسماعیل خودکام بطرفیت کارفرمای نانوائی شماره 6 بخواسته اخراج در وقت مقرر مستند به ماده 158 قانون کار تشکیل است ضمن استماع به درج اظهارات خواهان و خوانده و ملاحظه بررسی محتویات و مندرجات پرونده و با عنایت به گزارش مامور تحقیق و دو فقره گزارش کارفرما به شماره 8877 به تاریخ 08.10.1381 و شماره 9312 به تاریخ 23.10.1381 ثبت در دفتر ایندیکتور اداره کار گردیده هیات تشخیص پس از در نظر گرفتن جمع جهات با توجه به رفتارهای ناشایست کارگر در محل کار و توهین به مقدسات اسلام و سایر اخلاق ناشایست وی دلایل و براهین کارفرما را موجه تشخیص و خواسته خواهان را مردود اعلام میدارد. این رای از تاریخ ابلاغ بااستناد ماده 159 قانون کار ظرف مدت 15 روز قابل اعتراض و ارجاع به هیات حل اختلاف میباشد

نماینده اداره کار و امور اشتغال شهرستان بوکان: جمال افخمی

نماینده کارگران منتخب کانون شوراهای اسلامی کار : محمود آذربادگان

نماینده کارفرمایان و مدیران صنایع: فتاح امیری



توضیح:

هر سه نفر بالا (جمال افخمی، محمود آذربادگان، فتاح امیری) در برگ رای نوشته اند که کارگر اظهارات خود را بیان و از امضاء آن خودادری نمود

من به این رأی اعتراض کردم و به هیات حل اختلاف شکایت کردم و اعتراض خود را کتبا به هیات تقدیم نمودم و فوراً اطلاعیه ای را نیز در این خصوص و به دفاع از خود برای اطلاع عموم به شرح زیر صادر کردم تا طرح و نقشه های شوم اداره اطلاعات را خنثی کنم

«اطلاعیه»

... مردم شریف و آگاه ایران و کردستان، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، معلمان، بازاریان و اصناف و

شکم های گرسنه، سفره های بی رونق، فشار و سرکوب و بردگی تا کی ؟

ما کارگران در اوج بیکاری و گرسنگی ، خانه بدوش در زیرزمین های مرطوب و دخمه های همچون زندان زندگی میکنیم. زندگی ما کارگران سراسر زندان است. زندانی که در زیر پرده ستم و استبداد و دروغ و افترا مستور گشته است. پس چه کسانی عامل این همه جنایت و پدیده آورنده این زندگی جهنمی هستند؟

این شعار نیست این احساسات نیست علاوه بر اینکه این بردگی است بلکه نوعی استثمار آشکار انسان از انسان هم هست. امروزه کارگران به جای پیشرفت در امر صنعت و نوآوری، تکامل و توسعه به اقتصاد کشور و تحقق بخشیدن به جامعه ای آباد و آزاد، آرزوی مرگ میکنند. آیا این بردگی نیست؟

عزیزان، مجدداً فضای سرکوب و خفقان و ضد کارگری اداره کار شهرستان بوکان به شیوه ای نامشروع و غیر انسانی اقدام به صدور رأی نمود. در برگهای رأی که با پیوست ارسال میگردد با اظهارات کذب و دروغین کارفرما و با صدور رأی اداره کار، کارگر به علت توهین به مقدسات اسلام اخراج گردید که این حکم

اولاً در حیطة و اختیارات اداره کار نیست و جای سؤال است آیا اداره کار چگونه و با چه دسیسه ای به جای قاضی دادسرای انقلاب اسلامی رأی صادر نموده است ؟

ثانیاً اداره کار بنا به چه دلایل و مستنداتی این حکم را صادر کرده که از قوانین کار و روابط کاری خارج شده و دین و مذهب را جهت اخراج کارگر ملاک قرار داده است این نوعی بر چسب دروغین و پرونده ساختگی است

ثالثاً ادراة کار با سیاست ضدکارگری خود و همکاری و همفکری با کارفرما آنها با ترفند های دروغین اقدام به نوعی تفتیش عقاید نموده است که مغایر با اصل 23 ام قانون اساسی است. مسلماً کاسه ای زیر نیم کاسه است

رابعاً صدور رأی ناعادلانه ادراة کار مغایر با اصول قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی ایران است و این اقدام ناپسند توهین به یک فرد یا شخص نیست بلکه توهین به یک طبقه یعنی طبقه کارگر است

خامساً انسان موجودی اندیشمند، قانونگرا و قانونمند است ولی کدام قانون؟

دیگر تحمل محرومیت از کار و تزریق سم سرمایه داری و فلج کردن امیال و آرزوها و نابودی زندگی یک خانواده از طریق بیکاری را ندارم و به عنوان یک شهروند ایرانی، یک انسان، یک کارگر برابر با اصل 3 و 43 قانون اساسی از دولت جمهوری اسلامی کار میخوام مسکن و سرپناه میخوام نان میخوام و ... که حق مسلم خودم است. بنده انسانم، پس اگر انسانم، حقوق انسانی خود را از مسئولین اجرایی طلب میکنم

پیش به سوی مبارزه علیه استثمار

قربانی اداره کار : کارگر اسماعیل خودکام

تاریخ: 20.11.1381

## اطلاعیه

مردم شریف و آگاه ایران و کردستان، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، معلمان، روشنفکران جامعه، بازاریبان و اصناف و

**شکم‌های گرسنه، سفرهای بی‌رونی، فشار و سرکوب و بردگی تا کی؟**

ما کارگران در اوج بیکاری و گرسنگی، خانه به دوش در زیرزمینهای مرطوب و دخمه‌های همچو زندان زندگی می‌کنیم، زندگی ما کارگران سراسر زندان است. زندانی که در زیر پرده عثم استخدام و دروغ و افترا مستور گشته است. پس چه کسانی عامل این همه جنایت و پزید آورنده این زندگی جهنمی هستند؟

این شعار نیست، این احساسات نیست، علاوه بر اینکه این بردگی است بلکه نوعی استثمار آشکار انسان از انسان هم هست. امروزه کارگران به جای پیشرفت در امر صنعت و نوآوری، تکامل و توسعه به اقتصاد کشور و تحق و بخشیدن به جامعه‌ای آباد و آزاد، آزوبی سرگ می‌کنند. آیا این بردگی نیست؟

عزیزان! (مجدداً) فضای سرکوب و خفقان و ضد کارگری اداره کار شهرستان بوکان، به شیوه‌ای نامشروع و غیر انسانی اقدام به صدور رای نمود. در برگه‌های رای که با پیوست ارسال می‌گردد با اظهارات کذب و دروغین کارفرما و با صدور رای اداره کار، کارگر را به علت نوبین به متدسات اخراج گردید که این حکم

اولاً در حیظه و اختیارات اداره کار نیست و جای سؤال است که آیا اداره کار چگونه و با چه دسیسه‌ای به جای قاضی دادسرای انقلاب اسلامی رای صادر نموده است؟

ثانیاً اداره کار بنا به چه دلایل و مستندات این حکم را صادر کرده که از قوانین کار و روابط کاری خارج شده و دین و مذهب را جهت اخراج کارگر ملاک قرار داده است که این نوعی برجست دروغین و پرونده ساختگی است.

ثالثاً اداره کار با سیاست ضد کارگری خود و همکاری و همفکری با کارفرما آنها را با ترفندهای دروغین اقدام به نوعی تیشی عقاید نموده است که مغایر با اصل بیست و سوم قانون انسانی است. مسلماً کاسه‌ای زیر نیم کاسه است.

رابعاً صدور رای نامعادله اداره کار مغایر با اصول قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی است و این اقدام ناپسند نوبین به یک فرد یا شخص نیست بلکه نوبین به یک طبقه یعنی طبقه کارگر است.

چنانچه انسان موجودی اندیشه‌مند، قانون‌گرا و قانونمند است، ولی کدام قانون؟

دیگر تحمل محدودیت از کار و تزریق سم سرمایه‌داری و فلج کردن امیال و آرزوها و نابودی زندگی یک خانواده از طرق بیکاری را ندارم و به عنوان یک شهروند ایرانی، یک کارگر برابر با اصل سوم و چهل و سوم قانون اساسی از دولت جمهوری اسلامی کار می‌خواهم، مسکن و سرپناه می‌خواهم، نان می‌خواهم و که حق مسلم خودم است. بنده انسانم پس اکثر انسانم حقوق انسانی خود را از مسئولین اجرایی طلب می‌کنم.

### پیش به سوی مبارزه علیه استثمار

قرنیه اداره کار بوکان  
(هیات تشخیص)  
کارگر خیار، اسماعیل خودکام  
۱۳۸۰/۱۱/۲۸

#### رونوشت:

- ۱- دفتر مقام معظم رهبری جهت استحضار و اقدام و بگیری
- ۲- دفتر ریاست جمهوری جهت استحضار و اقدام و بگیری
- ۳- وزارت کار و امور اجتماعی جهت استحضار و اقدام و بگیری
- ۴- مجلس شورای اسلامی جهت اطلاع و اقدام
- ۵- نماینده مردم شهرستان بوکان در مجلس شورای اسلامی جهت اطلاع و اقدام
- ۶- فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی جهت استحضار و اقدام
- ۷- خانه کارگر جهت اطلاع و هرگونه اقدام و ابلاغ به تمام انجمنهای کارگری سراسر کشور
- ۸- اداره کار و امور اشتغال شهرستان بوکان جهت اطلاع و اقدام
- ۹- سندیکاها و انجمنهای صنفی کارگری سراسر کشور جهت اطلاع و هرگونه اقدام و ابلاغ به تمامی سندیکاها و انجمنهای صنفی سراسر کشور
- ۱۰- درج در روزنامه کثیرالانتشار

این اطلاعیه بطور چشمگیری در اغلب شهرهای ایران بخش شد. از رادیو کومله نیز متن این اطلاعیه بخش گردید ولی هیچ وقت مورد حمایت قرار نگرفتم. این موضوعات برای بعضی ها فقط جنبه "تبلیغاتی" داشت

من به رأی هیات تشخیص اعتراض کردم پرونده جهت بررسی و رسیدگی به هیات حل اختلاف شهرستان مهاباد ارجاع شد. این مسایل در زمانی اتفاق میافتاد که رئیس اداره کار شهرستان بوکان امیر بایزیدی را با رئیس اداره کار شهرستان مهاباد جابجا و نقل مکان کردند که هیات حل اختلاف همان رأی هیات تشخیص را بقرار زیر صادر کرد

اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهاباد

صورجلسه هیات حل اختلاف شهرستان مهاباد

شماره پرونده: 23

تاریخ: 23.02.1382

رأی هیات حل اختلاف

در پی تجدید نظر خواهی خواهان نسبت به رأی اصداری مورخ 14.11.1381 هیات تشخیص اداره کار شهرستان بوکان به شرح لایحه اعتراضیه وارده بشماره 10133 مورخ 26.11.1381 هیات پس از استماع اظهارات شاکلی و متشاکلی علیه و ملاحظه و بررسی اوراق و مندرجات مضبوط در پرونده و گزارش مامور تحقیق 9660 مورخ 03.11.1381 ثبت دفتر گردیده و شور و تبادل نظر اعتراض شاکلی به رأی مذکور را سبب فقد اسناد و مدارک محکمه پسند وارد ندانسته و صحت و استواری رأی هیات تشخیص اداره کار بوکان را با پاره‌ای اصلاح تأیید می نماید

نماینده دولت، دادگستری: ولی اله فتاحی، فرمانداری: عبدالله آهنگری، اداره کار و امور اجتماعی: امیر بایزیدی



نماینده کارگران: خضر صوفی بیرام، فرهاد همایون، احمد فاتحی

نماینده کارفرمایان: محمدحسن خاتمی، محمد حسن حسامی، قاسم عزیزی

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت کار و امور اجتماعی  
اداره کل کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی  
اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان مهاباد

شماره جلسه: ۱۱  
شماره پرونده: ۲۲

رای و تصمیم هیأت حل اختلاف:

در پی تجدید نظر خواهی خواهان نسبت به رای استعاری مورخ ۸۱/۱۱/۱۲ هیأت تشخیص اداره کار بوکان بخرع نتیجه اعتراضیه وارده به شماره ۱۰۴۲۴ مورخ ۸۱/۱۱/۲۶ هیأت بهار استماع اظهارات شکلی و متشکلی عنه و ملاحظه و بررسی اوراق و مستندات مشروکه پرونده و اطمینان نظر بر گزارش مامور تحقیق که تحت شماره ۹۶۶۰ مورخ ۸۱/۱۱/۳ ثبت دفتر تریبیه و مرور حسابات مدارک استماعی به رای ملکی را بسبب نفع اسناد و بخاری و ملائین محکمه پهنه وارده نمانسته و صحت استعاری رای شماره ۲۲۹ مورخ ۸۱/۱۱/۱۶ هیأت تشخیص اداره کار بوکان را با پارهای اصلاح تاشیه و بخرع لیل معاشرت به افسله رای می نمایند.

با توجه به عدم توافق اختلافی نمایین کارگر و کارفرما، هیأت حل اختلاف با توافق آراء مستند به لیل و نهمه ماده ۱۶۵ قانون کار ایران از طریق اسامیل طرفینکام را به تشکیل عدم استکان اقامه همکاری نمایین اصحاب دعوی سوچه شناخته و کارفرمای نامبروش شماره ۶ حاتم خدیجه عزیزآمان مستند به مواد ۱۶۵ و ۲۶ قانون کار و بمرور مجلس محترم شورای اسلامی مهاباد است و پرومات لیل را بخرجه آقای اسامیل طرفینکام برناخت و با نامبرده تسویه حساب و رابطه کارگری کارفرمایی نمایین را از تاریخ ۸۱/۱۰/۲۲ قطع نماید.

۱- مبلغ ۴۴۹۲۰ ریال از بابت سنوات خدمت ۶ ماه کار با احتساب سالی یکماه مستمره روزانه ۲۲۲۸۲ ریاله  
۲- مبلغ ۴۴۹۲۰ ریال از بابت مستمره پزشکی استعلاجی بمدت ۱۵ روز با احتساب مستمره روزانه ۲۲۲۸۲ ریاله  
۳- مبلغ ۴۴۹۲۰ ریال از بابت عیدی یا فاضل ششماه کار فرمال ۸۱  
جمعاً کلیه مبلغ ۱۳۴۸۴۰ ریال ( یک میلیون و سیصد و نود و هشت هزار و سیصد و هشتاد و هشت ریال) تمام.

« این رای با استناد ماده ۱۵۹ قانون کار قطعی و لازم الاجراست »

نماینده کارفرمایان	نماینده کارگران	نماینده دولت
۱- محمد حسن حسامی	فرهاد همایون	۱- دادگتری ولی اله فاتحی
۲- محمد حسن طابوسی	احمد لاتحسی	۲- فریبناری میخاله آتگری
۳- قاسم عزیزی	خضر صوفی بیرام	۳- اداره کار مهاباد امیر بایزیدی

خضر صوفی بیرام  
رئیس هیأت حل اختلاف

من به رای هیأت اختلاف مهاباد اعتراض کردم و به دیوان عدالت اداری شکایت نوشتم نه بخاطر ابقا به کار اولیه بلکه بخاطر اینکه در رای هیأت تشخیص بنا به "توهین به مقدسات اسلام" از کار اخراج شدم. اتخاذ تصمیم و صدور رای بنا به "توهین به مقدسات اسلام" طرح و دسیسه اداره اطلاعات بود تا پرونده را به داندسرای انقلاب اسلامی ارجاع دهند.

هیأت حل اختلاف شهرستان مهاباد (امیر بایزیدی) استناد به گزارش مامور تحقیق و لایحه اداره اطلاعات و همچنین صدور رای که بنا به "توهین به مقدسات اسلام" در هیأت تشخیص شهرستان بوکان توسط شخص ایشان (امیر بایزیدی) صادر شده بود دوباره همان رای (صادر خود را) تأیید نمودند. به این معنی اتخاذ تصمیم و صدور رای هم در هیأت تشخیص هم در هیأت حل اختلاف توسط یک نفر صادر و اعلام گردید. در بالا نوشتن همزمان با بررسی و رسیدگی این پرونده رئیس اداره کار مهاباد علی خضرزاده را با امیر بایزیدی رئیس اداره کار شهرستان بوکان جابجا و نقل مکان کردند.

ادرات کار استان آذربایجانغربی و مدیر کل نظارت بر تنظیم روابط استان و هیات های تشخیص و حل اختلاف و همچنین اداره اطلاعات ارتباط و مکاتبات مستقیم، هماهنگ و مستمری با هم داشتند. صدای اعتراضی کارگر به شکل فردی بجای نمیرسید تنها راهی که برای من میسر بود از طریق مکاتبات اداری و همچنین بکارگیری قانون خودشان به دفاع از خودم اعتراض میکردم. در ضمن سندیکای کارگران یا انجمن صنفی رادیکال و قدرتمندی وجود نداشت که بطور همجانبه ای از کارگران دفاع کند تا به آن امید بست

به همین دلیل به رأی هیات حل اختلاف شهرستان مهاباد در خصوص اخراج بر مبنای "توهین به مقدسات اسلام" اعتراض و اعتراض خود را کتبا به دیوان عدالت اداری تقدیم نمودم که رأی دیوان عدالت اداری به شرح زیر صادر گردید

دیوان عدالت اداری

شماره دادنامه: 1907

تاریخ: 02.08.1383

شاکلی: اسماعیل خودکام

طرف شکایت: اداره کار شهرستان مهاباد

"موضوع شکایت: اخراج ناعادلانه بر مبنای "توهین به مقدسات اسلام"

«رأی دیوان»

در خصوص دادخواست آقای اسماعیل خودکام بطرفیت اداره کار شهرستان مهاباد بخواسته اخراج ناعادلانه بر مبنای توهین به مقدسات، دیوان با عنایت به اوراق و مندرجات پرونده ملاحظه مستندات ابزاری، مطالعه محتویات پرونده ارسالی و لایحه دفاعیه اداره خوانده و نظر به اینکه شاکلی دلیل و مدرک محکمه پسندی که موجبات نقض دادنامه معترض عنه را فراهم نماید اقامه ننموده است نتیجتاً شکایتش غیر ثابت تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام میگردد رأی صادره ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل درخواست تجدیدنظر و رسیدگی در یکی از شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری میباشد

دادرس شعبه 4 دیوان عدالت اداری: مجتبی توحیدی

پرونده: ۱۳۸۰  
موضوع: ۱۳۸۰

تاریخ: ۸۳/۸/۲  
کلاس پرونده: ۱۳۳۳/۸۲  
شماره دادنامه: ۱۹۰۷

موضوع شکایت و خواسته: اخراج ناعادلانه بر مبنای توهین به مقدسات  
شاکلی: آقای اسماعیل خودکام  
طرف شکایت: اداره کار شهرستان مهاباد

در خصوص دادخواست آقای اسماعیل خودکام بطرفیت اداره کار شهرستان مهاباد بخواسته اخراج ناعادلانه بر مبنای توهین به مقدسات دیوان با عنایت به اوراق و مندرجات پرونده، ملاحظه مستندات ابزاری، مطالعه محتویات پرونده ارسالی و لایحه دفاعیه اداره خوانده و نظر به اینکه شاکلی دلیل و مدرک محکمه پسندی که موجبات نقض دادنامه معترض عنه را فراهم نماید اقامه ننموده است نتیجتاً شکایتش غیر ثابت تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می گردد رأی صادره ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل درخواست تجدیدنظر و رسیدگی در یکی از شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری میباشد.

دادرس شعبه ۴ دیوان عدالت اداری  
مجتبی توحیدی

من از هیات های تشخیص، حل اختلاف و دیوان عدالت اداری تجربیاتی داشتم میدانستم چیزی بنام "قانون" در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد دادگاه و دستگاه های قضایی مستقل نیستند به همین دلیل از ادامه تعقیب این پرونده طرف نظر کردم

این وقایع در زمانی رخ میداد که من تحت تعقیب اداره اطلاعات شهرستان بوکان بودم ولی آنها از من هیچ مدرک و اسنادی قانونی نداشتند تا به آسانی مرا دستگیر کنند. به همین دلیل برای خنثی کردن اهداف شوم اداره اطلاعات و همچنین بنا به دلایل مشخص و معینی (در بخش آینده توضیح خواهم داد) از انجمن صنفی کارگران خباز شهرستان بوکان رسماً استعفا دادم و به شهرستان مهاباد نقل مکان کردم. ادامه آن را در بخش بعدی توضیح خواهم داد

...ادامه دارد

اسماعیل خودکام

08.11.2020